

بودم در او وجود دارد. مهربانی و متانت او بیش از هر چیز دیگر به دلم نشست. پیش‌تر شنیده بودم سردی درویش مسلک و فیلسوف‌ماب است. شنیده بودم او علاوه بر انسان‌شناسی شیفته فلسفه شرق و ادبیات آن نیز هست. در همان ملاقات اول همه این شنیده‌ها برایم به یقین تبدیل شد. آن روز صحبت‌مان به درازا کشید و تمام جزئیات کار رساله را با دقت تمام مورد بحث قرار دادیم. پس از این ملاقات احساس کردم بیش از آن که استاد راهنمایی برای رساله پیدا کرده باشم، دوست جدیدی پیدا کرده‌ام، و از این نظر احساس بسیار خوبی داشتم. و البته این احساس بعدها به واقعیت تبدیل شد. او علاوه بر استاد تز من به استاد زندگی من هم تبدیل شده بود. چیزهای زیادی از او آموختم. رفتارها، دیدگاه‌های او و حتی مواضع سیاسی او هم برایم آموزنده بودند.

کارمان را به سرعت شروع کردیم. در گروه تحقیقاتی او که یک گروه چند ملیتی بود (دانش‌جویانی از ترکیه، لبنان، سوریه، فرانسه، انگلیس، ... از این پس ایران!) مشغول به کار شدم. محل کارمان در یک قصر قدیمی قرن شانزدهم که به شکل بسیار زیبایی بازسازی شده بود و در یک روستای دور افتاده به نام ژالز^۱ در استان آردش^۲ در جنوب فرانسه قرار داشت. آزمایشگاه‌ها، کتاب‌خانه، اطاق‌های کار اعضا تیم و حتی محققین میهمان، کارگاه‌ها و خوابگاه‌ها همه در آن‌جا جمع بود. او و اعضای گروه تحقیق‌اش مثل یک خانواده با هم زندگی و کار می‌کردند. همه او را ژاک صدا می‌کردیم، ژاک علاوه بر ریاست موسسه تحقیقات شرق پیش از تاریخ، به نوعی نقش

نامه انسان‌شناسی

دوره اول، شماره دوم، پانزوزمستان ۱۳۸۱
صص. ۱۷۹-۱۸۶

Naissance des divinités, naissance de l'agriculture, la révolution des symboles au néolithique, Jacques Cauvin, Paris, éditions C.N.R.S., 1994.

تولد الوهیت، تولد کشاورزی، انقلاب نمادها در دوره نوسنگی، ژاک کون ۱۹۹۴، انتشارات مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (C.N.R.S.)، پاریس ۳۲۰ صفحه ۶۷ تصویر و یک جدول.

جلال‌الدین رفیع‌فر*

انقلابی در انقلاب

پیش از ورود به بحث معرفی و نقد این اثر ابتدا لازم است اندکی با نویسنده آن که به تازگی در گذشته است، آشنا شویم. ژاک کون، استاد بزرگ باستان‌شناسی خاورمیانه در مرکز ملی مطالعات علمی فرانسه و بنیان‌گذار و رئیس پیشین مؤسسه مطالعات پیش از تاریخ خاورمیانه بود. پیشینه آشنائی نگارنده با این پژوهش‌گر توانا و خستگی‌ناپذیر به سال ۱۹۸۰ باز می‌گردد. زمانی که برای پذیرفتن راهنمایی پایان‌نامه دکتری خود در پی استادی ورزیده، با حوصله، قابل دسترسی و ... بودم. نخستین ملاقات ما در شهر لیون (فرانسه) انجام گرفت: مردی پا به سن گذشته، نسبتاً تنومند با موهای کاملاً سفید و در اوج سادگی و افتادگی، چیزی که خصوصیات اصلی مردان بزرگ و فرهیخته است. از همان لحظات نخست آشنائی متوجه شدم که همه خصوصیات اخلاقی که دنبالش

^۱ Jalès

^۲ Ardèche

* دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

پدر را هم بازی می‌کرد. پدری مهربان، صبور، فرهیخته و دلسوز.

پایگاه تحقیقات میدانی این مجموعه علاوه بر فرانسه در کشورهای سوریه، ترکیه و اردن قرار داشت هر سال و گاهی هر دو سال یکبار بخشی از گروه در زمان معینی جهت انجام تحقیقات میدانی به آن کشورها عزیمت می‌کردند و هر بار چند ماهی را در آنجا سپری می‌نمودند.

ژاک در سال ۱۹۹۲ بازنشسته شد و متأسفانه در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۱ درگذشت.

روانش شاد.

پیش از بحث درباره آخرین کتاب او، باید بر دو نکته مهم تأکید کرد:

۱- تنش‌های سیاسی و جنگ‌هایی که طی بیست سال اخیر در منطقه خاورمیانه به وقوع پیوسته و کم‌وبیش هم‌چنان ادامه دارند، مانع بزرگی برای پی‌گیری مطالعات میدانی در منطقه بوده‌اند و تقریباً تمامی پژوهش‌های میدانی انجام شده در خصوص موضوع مورد بحث به پیش از سال ۱۹۸۰ برمی‌گردد. ۲- باستان‌شناسان به دلیل محدود بودن امکانات لازم برای انجام کارهای میدانی در بیست سال اخیر در منطقه، بیشتر به مطالعه و تعمق بر داده‌ها و بحث‌های نظری روی آورده و از این رو نیاز هر چه بیشتری به بهره‌گیری از رشته‌های همسایه (انسان‌شناسی فرهنگی، جامعه‌شناسی، تاریخ، جغرافیای فرهنگی و انسانی، محیط‌شناسی و...) احساس کرده و کمبودهای اطلاعاتی موجود در این باره را به خوبی شناسایی کرده‌اند. استفاده از علم انسان‌شناسی فرهنگی در مطالعات باستان‌شناسی تقریباً تا گذشته‌ای نه چندان دور به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته بود. شاید با اطمینان بتوان گفت که به جز استاد

پیش‌کسوتی چون آندره لورواگوران (متخصص مردم‌شناسی و باستان‌شناسی هنر و فناوری) هیچ‌کس تا پیش از انتشار این کتاب به اندازه ژاک کوون به بهره‌گیری از تلفیق این دو علم برای ارایه تحلیلی منطقی از جوامع گذشته، به ویژه چگونگی به وقوع پیوستن روی‌دادهای تعیین‌کننده که در تاریخ انسان سرنوشت‌ساز بوده‌اند نپرداخته است. در بین روی‌دادهای مهمی که در طول زندگی انسان رخ داده‌اند، آن روی‌دادی که به نام «انقلاب نوسنگی» نامیده می‌شود بیش از هر روی‌داد دیگری در شکل‌دهی تاریخ زندگی انسان نقش داشته است. این انقلاب در حقیقت آغاز اولین دخالت‌های مستقیم انسان نوع امروزی در محیط طبیعی‌اش است. تجزیه و تحلیل این استحاله در شرایطی ویژه و شناسایی علل آن یکی از مسایلی است که برای افرادی که به کار مطالعه چگونگی پیدایش تمدن مشغول‌اند بسیار ضروری است. مدت‌هاست دریافته‌ایم که ابداع کشاورزی و اهلی کردن حیوانات سرآغاز دوره نوینی در تاریخ بشری بوده است. این دو روی‌داد هر یک به تنهایی اساس تحولات فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی عظیمی را در جامعه بشری سازمان داده‌اند. پیدایش جامعه روستایی یا جامعه یک‌جانشینی که اقتصاد مصرفی را برای نخستین بار کنار زده و به اقتصاد تولیدی روی آورده است، از ثمرات این انقلاب بوده است. این درحالی است که پیدایش چنین جامعه‌ای با فاصله نسبتاً اندکی از نظر زمانی با جامعه متمدن شهری و صنعتی قرار می‌گیرد. از طرفی باید بپذیریم که تسلط، حاکمیت و بهره‌برداری ما انسان‌های امروزی از زمین، از ثمرات دیگر این روی‌داد مهم است و ما وارث و شاید هم محصول مستقیم چنین روی‌دادی هستیم و از این زمان است که برگ جدیدی از تاریخ انسان ورق می‌خورد و نتایج

فهم می‌باشد، ظاهر شده است. در این خصوص نمونه مشخص از این نوع، «نوسنگی شدن متأخر»، نمونه اروپاست که تمامی عناصر لازم را برای طرح این سوال که چگونه تحت تأثیر اشاعه این روی داد در این منطقه رخ داده است را به ما نشان می‌دهد، در حالی که سوالات کمتری درباره پیدایش خود انقلاب نوسنگی را در محل مطرح می‌کند. درست مثل انقلاب صنعتی در کشور ژاپن که نشانه‌های زیادی از انقلاب صنعتی اروپا، که منشأ آن بوده است را به همراه ندارد. از این منظر است که مطالعه این روی داد در خاورمیانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا در این منطقه از جهان است که این پدیده برای نخستین بار و بدون این که متأثر از جریان‌های خارجی (غیر منطقه‌ای) که در پیدایش آن نقش داشته باشد، ظاهر می‌گردد.

تمام کانون‌های دیگر «نوسنگی شدن» در جهان تا آن جا که دانش امروز اجازه می‌دهد دیرتر از خاورمیانه به وجود آمده‌اند. در این باره گوردن چایلد باستان‌شناس و فیلسوف انگلیسی و استرالیایی تبار در سال ۱۹۲۵ میلادی گفته است: «خاورمیانه سپیده دم تمدن اروپاست» (Cauvin 1994:15). این بدین معنی است که تنها در خاورمیانه است که می‌توان منشأ جامعه امروزی را شناسایی کرد و هم چنین الگویی از تمدن که از آن موقع تا امروز هم‌چنان در حال گسترش بوده است، تا جایی که هم از نقطه نظر فنون و فناوری و هم از نقطه نظر تولیدات علمی و تأثیراتش بر سایر نقاط جهان جای بحث نمی‌گذارد. اما متأسفانه چنین به نظر می‌رسد که امروزه شرایط جهان‌سومی منطقه، رابطه این مهد تمدن را با ریشه‌هایش به تدریج قطع کرده باشد.

کتاب تولد الوهیت-تولد کشاورزی، انقلاب نمادها در دوره نوسنگی بدون تردید یکی از

این روی داد مهم را بایستی به دقت بررسی کنیم.

در خصوص آنچه که مورد نظر است تنها روشن تر کردن مکان و زمان پیدایش این رخ داد مهم نیستند، حتی پرداختن به تأثیرات زیست‌محیطی در به وجود آمدن استراتژی‌های جدید نیز مد نظر نمی‌باشند زیرا در این حوزه‌ها تحقیقات زیادی انجام شده است. این جهش تنها شامل شیوه‌های تولید مواد غذایی و تغییرات حاصل از آن در طبیعت هم نیست. تمام بخش‌های زندگی انسانی از مادی‌ترین تا نمادین‌ترین قسمت آن از تأثیرات این روی داد در این مقطع از تاریخ بی‌بهره نمانده‌اند. مسکن، فنون، جمعیت، ساختار اجتماعی، شیوه اشغال سرزمین، تولیدات هنری، باورها و... نیز تحت تأثیر قرار گرفته‌اند.

پارامترهای فوق که باعث به وجود آمدن این استحاله کامل گردیده‌اند چنان در هم آمیخته شده‌اند که به هیچ وجه نمی‌توان ترتیب اهمیت آن‌ها، مشخص نمودن تأثیر و علل و حتی چگونگی وابستگی عقلانی و روشن آن‌ها از یک‌دیگر را به راحتی تعیین نمود. مشکل مهم‌تر مشخص نمودن وضعیت و چگونگی «نوسنگی شدن» در مناطق مختلف جهان است. مثلاً پیدایش این پدیده در اروپا دقیقاً نتیجه گسترش و اشاعه بوده است و اتفاقاً در همین منطقه است که برای نخستین بار به مطالعه این پدیده توسط محققین اروپایی در اوایل قرن بیستم پرداخته شده است. این مطالعات نشان داده‌اند که تمام پدیده‌ها از جمله کشاورزی و دام‌پروری و حتی بسیاری از فنون (سنگ صیقلی، سفالینه و ...) علاوه بر این که منشأ غیر محلی دارند ولی بدون شک تحت تأثیر فرهنگ محلی و نوآوری‌های استیلیستیک مستقل بوده و در چارچوب یک مجموعه منسجم با یک شکل ویژه که به سختی قابل

راستا طبقه‌بندی‌های جدید و گونه‌گونی کم کم نمایان شدند و مسایل جدیدی در نوشته‌های دانشمندان ارایه گردیدند، که به دنبال این نوشته‌ها نظریه‌هایی نیز مطرح شدند. از جمله این نظریه‌ها می‌توان به نظریهٔ پیروان مکتب اشاعه اشاره کرد که گوردن چاپلند از طرفداران سرسخت آن بود. پیروان این نظریه عمدتاً بر این باور بودند که انقلاب کشاورزی (نوسنگی) از طریق اشاعه از خاورمیانه که خاستگاه آن بوده است به سایر نقاط جهان اشاعه پیدا کرده است. کتاب کوون قبل از هر چیز مجموعه‌ای منحصر به فرد از تألیف (ستتر) هایی است که بر پایهٔ آخرین مطالعات درباره عصر نوسنگی (۱۰۰۰۰-۶۰۰۰ پیش از میلاد) در خاورمیانه (ترکیه، سوریه، لبنان، فلسطین و اردن) به انجام رسیده است. این دوره در این منطقه به عنوان اولین مکان و زمانی مطرح می‌شود که انسان عصر پیش از تاریخ از مرحله شکار و گردآوری به مرحله تولید مواد غذایی قدم گذاشته است. و همین زمینه است که تمام پرسش‌ها و پایه‌های فکری نویسنده را به خود معطوف کرده است. در واقع از ابتدای سال‌های ۱۹۳۰ با حفاری‌های باستان‌شناختی مهمی که در مناطق مختلف خاورمیانه انجام شد، و براساس داده‌های به دست آمده تا پیش از انتشار کتاب کوون تقریباً تمامی نظریه‌ها با تأثیرپذیری از عناصر مادی، با این فرض انجام می‌شد که تمامی تغییرات ریشه در تحولات فناورانه و اقتصادی داشته‌اند و دلیل اصلی پیدایش انقلاب نوسنگی در خاورمیانه که نقطه آغاز پیدایش تمدن نیز بوده است، پدیده‌های طبیعی، جمعیتی و اقتصادی بوده‌اند.

کوون بدون اینکه به وزن و میزان تاثیرگذاری این پدیده‌ها در تحولات اقتصادی - فرهنگی و اجتماعی بی‌توجه باشد، به خوبی نشان می‌دهد که اجتماعات «شکارگر و گردآورنده -

معدود آثاری است که برای نخستین بار به بهترین وجهی از جدیدترین داده‌های باستان‌شناختی و انسان‌شناسی فرهنگی با هدف بررسی چگونگی عبور از جامعهٔ «کوچ‌گر، شکارگر و گردآورنده» به جامعهٔ «یک‌جانشین، تولیدکننده» پرداخته است. گواه این امر نقدهایی است که به وسیلهٔ باستان‌شناسان و مردم‌شناسان سرشناسی، چون هانری دو کونتسون (۱۹۹۶) و ژان پیر دیگار (۱۹۹۵ و ۲۰۰۰) دربارهٔ این کتاب به چاپ رسیده است. این کتاب در سال ۲۰۰۲ به زبان انگلیسی نیز ترجمه و به چاپ رسیده است.

کشفیات جدید اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ باعث گردیدند که با پدیده‌های جدیدی که در شکل‌دادن به جلوه‌های فرهنگی نقش داشته‌اند آشنایی بیشتر و دقیق‌تری پیدا شود، و مسئله تحولات فرهنگی و روند پیشرفت این تحولات که از اهداف مهم رشته‌های باستان‌شناسی و انسان‌شناسی فرهنگی است، به گونه دقیق‌تر بررسی و شناسایی شوند. اطلاعات بسیار مهم و قابل توجهی که در این مقطع به دست آمد مشخص کرد جوامع پیش از تاریخ (به ویژه پارینه‌سنگی) که صرفاً دارای اقتصاد مصرفی بوده‌اند و عمدهٔ فعالیت‌های اقتصادی‌شان به شکار، صید و گردآوری مواد خوراکی خلاصه می‌شد، از نظر فرهنگی با جوامع دیگر هم‌عصر خود تفاوت‌های فاحشی داشته‌اند. برای نمونه مردمان جوامع اواخر پارینه‌سنگی در اروپا با فرهنگی بسیار پیچیده زندگی می‌کرده‌اند و چنین فرهنگی از نظر پیچیدگی و پیشرفت در جوامع هم‌عصران‌ها هنوز در جای دیگری از دنیا مشاهده نشده است (رفیع فر، ۱۳۸۱).

انتشار این اطلاعات سبب شد که مجموعه‌های گوناگون و متعدد فرهنگی نه تنها در مناطق مختلف بلکه در مقاطع زمانی متفاوت نیز بیش‌ازپیش مورد مطالعه قرار گیرند. در همین

به برهم زدن تعادل بین جمعیت و منابع طبیعی منجر گردیده نبوده است. او با بهره‌گیری از مطالعات و نظرات م. سلینتز که معتقد است شکار و گردآوری به خوبی پاسخ‌گوی نیازهای اقتصادی جامعه «ابتدایی» بوده به این مسئله نگریسته است (ص. ۸۹).

به نظر کوون ابداع کشاورزی یک واقعیت انکارناپذیر است، که لازم‌اش رسیدن به یک فرهنگ بارور و غنی است که چنین فرهنگی قبل از این دوره می‌بایستی ایجاد شده باشد. کوون معتقد است آماده شدن چنین فرهنگی و هم‌چنین دسترسی به فناوری ساخت ابزارهای لازم برای کشاورزی در دوره نساتوفی و با پیدایش یک‌جانشینی، اتفاق افتاده است، زیرا به نظر او هم شیوه زندگی یک‌جانشینی و هم استفاده از این تولیدات صنعتی شرایط لازم اولیه برای ابداع کشاورزی به شمار می‌آیند و بدون در اختیار داشتن آن‌ها ابداع کشاورزی نمی‌توانسته به خودی خود جامه عمل بپوشد. او هم‌چنین می‌گوید: «این توسعه فرهنگی در واقع هیچ نوع فعالیت دینامیکی در فرهنگ که در جهت تغییرات حرکت کند را آشکار نمی‌سازد» و اضافه می‌کند: «به وجود آمدن تمایل به تغییرات نیاز مبرم به یک "روح جمعی" دارد که آن هم معمولاً می‌بایستی در اثر پیدایش نا رضایتی‌های جمعی به وجود آید و آن وقت است که فعالیت‌های فرهنگی جدید جهت رفع آن‌ها آغاز می‌گردند، که این تحولات می‌توانند الزاماً ریشه‌های اقتصادی نداشته باشند» (صص. ۹۱ و ۹۲). از طرف دیگر کوون به موضوع چگونگی پیدایش جامعه کوچ‌گر- دام‌پرور نیز بی‌توجه نبوده، و اصرار دارد که بر خلاف آن چه قبلاً تصور می‌شد (نظریه گوردن چایلد به خصوص)، کوچ‌گری با هدف پرورش دام سابقه‌اش از یک‌جانشینی بسیار کم‌تر است. به نظر کوون زیر ساخت این

یک‌جانشین» با بهره‌گیری از یک هنر غیرمنقول و باورها و اعتقادات ویژه که به خوبی در آداب تدفین مردگان‌شان دیده می‌شود از ۲۰۰۰ سال پیش از پیدایش کشاورزی و دام‌پروری در منطقه وسیعی بین فرات و صحرای سینا حضور داشته‌اند (تمدن ناتوفی ۱۰۰۰۰-۱۲۰۰۰ پ. م.).

پس از به وقوع پیوستن یک «روی‌داد» که با نام «فرهنگ خیامی» شناخته می‌شود، بین ۱۰۰۰۰ تا ۹۵۰۰ پ. م. یعنی هم‌چنان پیش از آغاز پیدایش کشاورزی، تغییرات مهمی در نوع معماری سکونت‌گاه‌ها (خانه‌هایی با پلان مدور ساخته شده بر روی سطح زمین) و هم‌چنین تغییرات بسیار مهم دیگری در باورها و هنر، تغییراتی که نویسنده آن را در چارچوب یک انقلاب تصویر کرده و آن را «انقلاب نمادها» نامیده است، پدید می‌آیند.

«تمدن ناتوفی» و «تمدن خیامی» قبل از ۱۲۰۰۰ سال پیش هر دو فاقد کشاورزی و دام‌پروری بوده‌اند، ولی شرایط محیطی و امکانات لازم را برای ابداع کشاورزی و اهلی کردن (شدن) حیوانات فراهم کرده بودند، به طوری که وارثین آن‌ها موفق شدند از حدود ۹۰۰۰ سال پیش از میلاد به ابداع و توسعه این دو پدیده مهم و سرنوشت‌ساز در تاریخ بشر دست پیدا کنند.

درباره ابداع کشاورزی و آغاز «اهلی کردن حیوانات» (بدون اینکه خواسته باشیم به بحث‌های مربوط به مفاهیم و تعاریف موارد اخیر وارد شویم که خود نیاز به فرصت دیگری دارد)، کوون برای اولین بار دیدگاه جدیدی را تحت عنوان نظریه «روان فرهنگی» مطرح می‌کند. او معتقد است که رسیدن به مرحله اقتصاد تولیدی به هیچ‌وجه نتیجه مکانیکی شرایط کمبود اقتصادی که در نهایت

³ psycho-culturelle

هنر در فرهنگ ناتوفی یک هنر حیوانی^۴ است. درست مثل هنر فرانسه - کانتابریک (غرب اروپا) که بخشی از آن با فرهنگ ناتوفی هم‌عصر بوده است. آهو، گوزن، گاو و بزکوهی نقش‌مایه‌های اصلی این هنر را تشکیل می‌دهند که به صورت مجسمه و کنده‌کاری ارایسه شده‌اند. از آغاز پیدایش «فرهنگ خیامی» خود حیوان و یا بخش‌هایی از بدن آن‌ها به عنوان نماد در باورها و اعتقادات سرزمین لوانت حضور پیدا می‌کنند. در این دوره سر کامل گاو وحشی با تمام شاخ‌هایش در داخل منازل دفن شده‌اند. هم‌چنین در تمام این مدت در موربیت شاخ گاو در درون دیوارهای منازل دفن شده‌اند. بدیهی است که این اعمال جنبه هنری نداشته‌اند. در همین زمان ساکنین دهکده‌های خیامی در محل باستانی موربیت درست مانند ناتوفیان برای رفع مشکل غذایی خود هنوز به شکار حیوانات اشتغال داشته‌اند.

در آغاز پیدایش تغییرات بزرگ دو تصویر نمادین یعنی تصاویر زن و گاو که از فرهنگ ناتوفی به یادگار مانده است هم‌چنان حضور دارند و حتی تا مدت‌ها بعد نیز در مناطق مدیترانه شرقی حضور خود را حفظ می‌کنند. از آغاز عصر نوسنگی است که تصویر زنان در قالب‌های مختلف خصوصاً اشیای منقول (مجسمه‌ها) به سرعت در سرتاسر خاورمیانه رواج پیدا می‌کنند، تا جایی که در حدود هزارهٔ هفتم پ.م. در ترکیه در محل باستانی چتل‌هیوک تصویر زن و گاو و در غرب ایران تصویر زن در اکثریت مطلق قرار می‌گیرد. این تصاویر حتی در معماری نیز جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهند، تصاویر به صورت نقاشی و یا نقش برجسته در کنار مجسمه‌هایی از این دست مجموعه‌ها را کامل‌تر کرده‌اند.

نوع جامعه به شدت متأثر از فرهنگ جامعه یک‌جانشین - تولیدکننده بوده است. او بر این باور است که، حتی گله‌داری‌های فصلی چوپانان دوره «نوسنگی پیش از دوره سفال B» (P.P.N.B) (۷۰۰۰ تا ۸۷۰۰ پ.م.) برای به وجود آمدن جامعه کوچ‌گر- دام‌پرور کافی نبوده است، و اگر وجود یک جامعه کوچ‌گر در خاورمیانه از ۷۵۰۰ سال پ.م. تأیید شده است، با وجود این با توجه به داده‌های موجود در شرایطی قرار نداریم که بتوانیم اهداف این جامعه را الزاماً دام‌پروری بدانیم.

نکته بسیار مهم دیگری که می‌بایستی مورد توجه قرار گیرد، تحولی است که در پیدایش نمادها به وجود آمده است و یا به قول کوون نوعی «انقلاب نمادها» به شمار می‌آید. بررسی این نوع تحولات در انسان‌شناسی و باستان‌شناسی خاورمیانه متأسفانه زیاد مورد توجه قرار نگرفته، تنها تعداد معدودی از جمله یان هودر حوزهٔ باستان‌شناسی نمادین به اهمیت و جایگاه این نوع مطالعات اشاره داشته و سعی کرده‌اند با مطالعهٔ عناصر نمادین باستان‌شناختی، ساختارهای پنهانی که در هر فرهنگی به عنوان یک پدیدهٔ پویا (دینامیک) در شکل‌دهی هر چیز درون آن فرهنگ دخالت می‌کنند را شناسایی نمایند (Hodder 1989).

در این کتاب هنر و عناصر وابسته به آن به بهترین وجهی مورد توجه و مطالعه قرار گرفته‌اند، که البته تنها از طریق آثار هنری است که می‌توان به نظام نمادین در ساختار فرهنگی یک جامعه پی برد. بر همین اساس آثار هنری که به دورهٔ آغاز نوسنگی در خاورمیانه تعلق دارند یعنی دوره «فرهنگ خیامی» و حتی چند قرن بعد از آن به طور بسیار دقیق مورد مطالعه کوون قرار گرفته و خوش‌بختانه مطالعه این آثار دسترسی به حقیقت این تحولات اجتماعی - فرهنگی را امکان‌پذیر کرده است.

^۴ zoomorphes

«حلف» معروف است. در اواخر هزاره هفتم در این فرهنگ بر روی بدنه ظروف سفالی تصاویر نیمرخ زنانه جزء نقوش اصلی ظروف سفالین به شمار می‌روند. این نقش‌مایه بر روی بسیاری از ظروف مربوط به این فرهنگ تکرار شده و دیده می‌شود. هم‌چنین در محل باستانی ارباچی (عراق) درست مثل چتل‌هیوک مضمون الهه مادر و صحنه شکار در یک صحنه دیده شده است (ص. ۵۱).

پروفسور کوون معتقد است که این نقش‌مایه‌ها در عصر نوسنگی غرب آسیا، دیگر به یک شخصیت کاملاً اسطوره‌ای تبدیل شده و در قالب یک خدا که همه چیز تحت فرمان اوست عمل می‌کنند. یک «زن خدایی» و یک انسان مذکر که به صورت یک گاو در آمده و جفت او را تشکیل می‌دهد (همان).

داده‌های جدید در خاورمیانه حکایت از آن دارد که نظام مبتنی بر دوگانگی از حدود ۹۵۰۰ پ.م. به وجود آمده است و در بین شکارچیان و گردآورندگان خوراک متعلق به «فرهنگ خیامی» وجود چنین نظامی را به وضوح می‌توان مشاهده کرد. به نظر کوون «این نظام به هیچ‌وجه زیرساخت اقتصادی ندارد، زیرا ساخت واقعی آن نشأت گرفته از یک ذهنیت اسطوره‌ای است زیرا در آن زمان الهه مادر را نمی‌توان به عنوان نماد کشاورزی در نظر گرفت چرا که هنوز کشاورزی ابداع نشده است و گاو هم حیوان مورد نظر و علاقه شکارچیان آن زمان نبوده و چند هزار سال بعد اهلی شده است» (ص. ۵۲) که در این صورت سابقه نمادها به قبل از اهلی کردن حیوانات و ابداع کشاورزی مربوط می‌شود. و این همان چیزی است که ژاک کوون برای اولین بار موفق به اثبات آن گردید و نظریه‌های قدیمی که معتقد بودند پیدایش نمادها دارای زیرساخت‌های اقتصادی هستند را کاه

کوون معتقد است که تصویر زن در چتل‌هیوک (ترکیه) تصویر یک الهه است که به صورت نقش بر جسته شماتیک و یادمان مانند و از همه مهم‌تر بر روی دیوار یک «پرستش‌گاه» و در حالی که دست‌ها و پاهایش از یکدیگر باز شده‌اند در حال زایش یک گاو نشان داده شده است. تعدادی نقاشی دیواری و نقش برجسته این مجموعه را در چتل‌هیوک کامل کرده و در نهایت به یک مجموعه کاملاً منسجم و معنی‌دار تبدیل کرده است. آرزو روبا یا یک حیوان وحشی گوشت‌خوار، دندان‌های نیش گراز و منقار کرکس (همه حیوانات گوشت‌خوار وحشی) از دیگر اجزاء این مجموعه به شمار می‌روند، که تماماً جنبه نمادین دارند و به نظر می‌رسد هر یک به تنهایی نماد خاصی را معرفی می‌کنند. تعداد بسیار قابل توجهی پیکرک‌های «الهه مادر» از محل‌های باستانی ترکیه (چتل‌هیوک، هسیلار و ...) به دست آمده‌اند که به نظر کوون متأثر از فرهنگ موریت (سوریه) می‌باشند که در تمامی آن‌ها اندازه اندام‌های مربوط به باروری از اندازه حقیقی بزرگتر نمایش داده شده‌اند. در چتل‌هیوک تصویر گاو نیز مثل موریت بسیار مورد توجه بوده است. در این محل بر روی دیوار یک «معبد» سر گاو را با گل شکل داده و به صورت برجسته تصویر کرده‌اند ولی به جای شاخ آن از شاخ طبیعی استفاده شده است. بر روی خود دیوارها یک صورت بزرگ از گاو که به صورت برجسته تمام سطح دیوار را اشغال کرده است نیز دیده می‌شود (درست مثل نقاشی‌های عصر پارینه سنگی اروپا بر روی دیواره غارها). این در حالی است که به نظر کوون هسته اصلی اشاعه نوسنگی ترکیه در منطقه لوانت بوده است (ص. ۴۸). از طرف دیگر در دوره بعد از پیدایش سفال، فرهنگی در خاورمیانه شناسایی شده است که به فرهنگ

منابع:

- رفیع فر، ج.، ۱۳۸۱، پیدایش و تولد هنر، تهران، برگ زیتون.
- Digard, J. P., 1995, Révolution des symbols ou retour de l'idéalisme? *L'Homme* 136/1995: 23-128.
- Digard, J.P., 2000, Premières domestications proche-orientales: le regard d'un ethnologue, *Paleorient*, vol.25/2:81-85.
- Hodder, I., 1989, *The Meanings of Things: Material Culture and Symbolic Expression*, London, Unwin and Hyman
- Contenson, Henri de, 1996, "Naissance des divinités, naissance de l'agriculture, la révolution des symbols au néolithique" *Syria*, LXXII:435-440.

بی‌اعتبار نمود و این نقطه اوج این کتاب است. زیرا او هیچ اعتقادی به زیرساخت اقتصادی در انقلاب نوسنگی که توسط گوردن چایلند و حتی پیروان مکتب «باستان‌شناسی نوین»^۵ در انگلستان و امریکا با قدرت مطرح و از آن دفاع می‌شد، نداشته و معتقد است این انقلاب قبل از هر چیز حاصل یک جهش عمیق فرهنگی بوده است.

کون معتقد است «انقلاب نمادها» در هزارهٔ دهم پ.م. باعث گردید که یک رابطه جدید ارزشی بین انسان و محیط زیست‌اش، این بار با هدف حفظ و تجدید منابع طبیعی ایجاد شود. و این رابطهٔ جدید در شیوه زندگی او و شیوه‌های بهره‌برداری از محیط نیز تأثیر گذاشته است. به دیگر سخن، نمادها به عنوان یک نیروی موثر محسوس در به وجود آوردن اقتصاد کشاورزی نقش اصلی را به عهده داشته‌اند (ص. ۱۶۵). سخن را با نقل مطلبی از ژان پیر دیگار مردم‌شناس و ایران‌شناس فرانسوی که در نقد این کتاب به چاپ رسانده به پایان می‌رسانم. دیگار با استناد به تحلیل‌های کون به طرح پرسشی پرداخته و می‌گوید: «آیا باز هم می‌توان تمدن غرب را دنباله تمدن یهودی - مسیحایی پنداشت؟ یا این که بایستی آن را دنباله و برخاسته از تمدن‌های «ساتوفی و خیامی» عصر پیش از آغاز کشاورزی در خاورمیانه دانست؟! دیگار اضافه می‌کند که با خواندن این کتاب فوق‌العاده جالب از طرح چنین سئوالی نمی‌توان به سادگی طفره رفت (۱۹۹۵).

⁵New Archaeology